

از مجله «تایم» آمریکا

ترجمه ع. م. عامری

## شمه‌ای از اوضاع امروزی ایران

مقاله‌ای که اینک از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد ترجمه تام و تمامی است از مقاله‌ای که مخبر مجله «تایم» آمریکا نوشته بوده است و در شماره اخیر آن مجله ییچاپ رسیده است. چون در توصیف اوضاع فعلی ایران بسیار جامع بنظر رسید ما آنرا با نقل عین تصاویری که در اصل بود در مجله درج کردیم و لو اینکه قبلاهم خلاصه یا قسمتهائی از آن در جراید ایران منتشر شده است.

مجله یفما

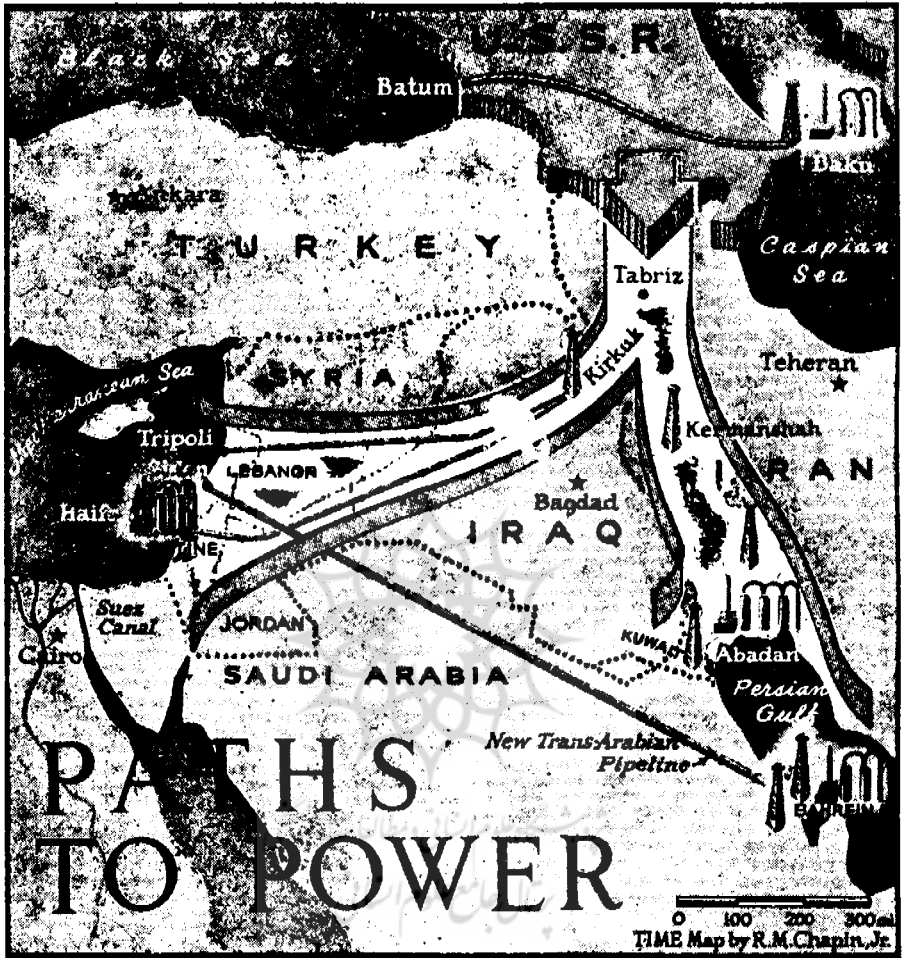
### ایران سرزمین تشویش.

در بهار سال ۱۹۴۶ مردی مختصر شکل بنام حسین علاه نماینده ایران در حضور شورای امنیت سازمان ملل ایستاد و با سماجت تمام از اعضای شوری خواست که سپاه روس ایران را ترک گوید. سپاه روس بانحسر و سر که روی بدررفت. حکومت اشتراکی دست نشانده آذربایجان واقع در شمال ایران سقوط کرد. پس از جنگ این اولین سد مهمی بود که در برابر تعدی و تعرض کمونیستها برقرار گشت و بار اول بود که قدرت دنیای آزاد نموده شد. علاه در عین اینکه از این موفقیت دلشاد بودند میدانستند که اگر آمریکا بداد ایران- که از حیث اقتصاد بیچاره و از جهت امور سیاسی آشفته است- نرسد، این فتح و فیروزی از فایده خالی خواهد بود.

پنج سال پس ازین تاریخ منبع بزرگ امید و آرزو و اعتماد خشکید. خطر روسیه امروزی بیش از سال ۱۹۴۶ است. انگلیسها و امریکائیهها و ایرانیان بیکدیگر اعتماد ندارند. ایرانیان باز از شدت یأس از نوبسیاست قدیم که حکم انتحار دارد بازگشته‌اند و سعی میکنند که روس و دول غربی را با یکدیگر طرف کنند و نتیجه بگیرند. ایران پسریشان و نومید و بی دفاع مانده است و امریکا در راه حفظ آن قدمی برنداشته است.

اگر روسیه چنگال خود را بایران فروبرد بدارایی رسیده است که از کره بیشتر ارزش دارد. راه روسیه بمعادن نفت خاورمیانه یعنی لوله های نفت عراق و عربستان و بحرین - صیدا و کرکوک - حیفا و کرکوک و طرابلس از این کشور است. اروپای غربی بتشویق امریکا بمعادن نفت خاورمیانه بیشتر توجه دارد تا بمعادن نیمکره غربی. این تمیز عقیده از لحاظ اقتصادی و لشکر کشی معقولانه است مشروط باینکه دول غربی در حفظ خاورمیانه بکوشند اما قرآئن همه دلالت بر این دارد که چنین نبیتی در میان نیست. ترکیه تنها نقطه‌ای است که وسایل دفاعی آن سرو صورتی دارد ولسی دولت سویت میتواند بیک گردش و دور از شمال ایران خود را بسرحد جنوب ترکیه برساند. راه

تاریخی هجوم هندوستان هم از ایران میگذرد . با همه این تفصیلات نه تنها در راه توافق



دادن و وسایل دفاعی ملل خاور میانه جهد نشده بلکه حتی نقشه ای هم درین باب طرح نگشته است .

« انوهایسنگ » مغرب مجله تا یم اخیراً با یران ، یعنی حساسترین نقطه سوق الجیشی ملل خاور میانه سفر کرده است . سطور ذیل راجع بوضع اسف خیز - نه یاس آمیز - ایران مبتنی بر گزارش همین مغرب است .

« میتوانم معلم پدر با هم » :

انقلابات معمولاً وقتی پیش میآید که اوضاع واحوال رو بیبهدونهد ولی بکنند .

ایرانیان مختصری از راه ورسم و فنون مغرب زمین آگاه شده‌اند و اکنون بی برده‌اند که پریشان حالی آنها واجب نیست و بهره‌آنان از انصاف و عدالت بدو راست است. ایران نه تنها دچار فقر و مرض است بلکه در تشویش و وحشت است. از دهقانی که در کلبه‌ای بی پنجره منزل دارد تا شاه مملکت همه مضطربند. همه میدانند که وضع در آتیه بمنوالی دیسگر خواهد بود اما از کجا که آئینده به از حال باشد. ثمره بذری که مغرب زمین در ایران افشانده نصیب کمونیست خواهد شد مگر اینکه زود در وضع اقتصادی بهبود حاصل شود و مردم سهمی در کشور پیدا کنند.

نفوذ مغرب در ترقی و تعریک بترقیخواهی در پایتختی که جمعیت آن نزدیک بیك میلیون میباشد نمایان است. بعضی معلات شهر خیا بانهای وسیع مشجر و عماراتی با سلوب جدید دارد اما کوچه‌های معلات دیگر باریک و خانه‌ها گلین است. اتومبیل‌های کادیلاک و تاکسیهای نیم شکسته از میان گروه دست فروشان نوحه گرمیگذرد.

در بعضی از روستاها آثار و علائم نفوذ غرب دیده میشود. مثلاً بدیدن دهکده «مامازن» میتوان پی برد که ایران در آتیه ممکن است بجه صورتی در آید. دهقانان این نقطه هر چند مانند همجنسان دیگر نقاط ایران فقیر هستند نظیف و آسوده خیالند. خانه‌هایشان بسیار تمیز و پاکیزه است. حیوانات را بیرون خانه جا میدهند. بوسیله تلمبه از چاهی عمیق آب میکشند و بصفای ساده‌ای که از آجر ساخته شده است آب خوراکی را تصفیه مینمایند و این از نوادر است چه حتی آب خوراکی مردم شهر تهران هم از میان جویهای کثیف میگذرد. در مامازن، هابینگ روستائیانی را دید که بمیل خویش بساختن حمام مشغول بودند و از آنان پرسید که از کار مفت و مجانی که میکنند راضیند یا نه؟ کارگران کلاه‌های گرد خود را از پیش سرپس کشیدند و بتحیر نگاه کردند. یکی از میان جمع گفت «چرا راضی نباشیم حمام میسازیم».

ده «مامازن» یک تراکتور دارد. محصول غله دو برابر و خیارشش برابر شده است. اخیراً گرد (د.ت.ت) پالیزهای طالبی را از آفت نجات بخشید. جوانی بنام «تئودر نومی» از جانب بنگاه‌خاور نزدیک که مؤسسه‌ای است خیر به و باعانه نگهداری میشود گرداننده مشرخ کار اصلاحی دهکده است. بنگاه بیست هزار دلار بدهکده تخصیص داد و چون کار مؤسسه مرغوب افتاد حکومت ایران هم چهارصد هزار دلار که مبلغی است هنگفت وقف این کار کرد. کودکی ده ساله که در دبستان نوی تعلیم یافته بود گفت «بیدرم میتوانم بیاموزم که نشاء کاهورا چگونه جا بجا کند و چه کند که کلم بیخ نزنند».

نزدیک شهر تاریخی اصفهان از محل اعتبار ماده چهار ترومن دست بکار آبادی دهی زده‌اند که وضعش از هر ده هندوستان بدتر است. توانگران شیراز هم بلوله کشی شهر اقدام کرده‌اند. در نواحی مختلف مخصوصاً در ناحیه ساحلی بحر خزر از نشان روی دیوار هر خانه و کلبه رعیتی نمودار است که خانه‌ها را سم پاشی کرده‌اند.

### دسیسه ، گرده‌کار است :

با همه اینها این اقدامات اصلاحی در برابر يك عالم نومیدی حاکم ذره دارد .  
اراضی زراعتی ایران در تصرف چند صد خانواده ملاک (فتودال) است که دوتا چهار پنج  
محصول رعیت را میگیرند . بهین جهت زارع نه دلش بار میدهد نه استطاعت دارد که  
دست باصلاح و آبادی بزند .

کشاورزان بر احتیاجات خویش خوب واقفند . «ها بینک» مخبر از جمعی از این روستائیان  
پرسید که هیچ بسینما رفته اند ؟ دهائیان گفتند «چه حاجت بسینما ؟ زندگی ما خود حکم  
بردهای سینما دارد» .

بیشتر ملاکان چون زارعان بفکر آتیه ایران نیستند . توانگران بجای اینکه نقدینه  
خود را در راه آبادی کشور بکوبند از نده همه را در بانکهای خارج می انبارند . صرف نظر  
از طمع ، علت اصلی ، تشویش ملاکان است که نه بیرتایا و امریکا اعتماد دارند و نه بحکومت  
ایران ، و مردم بی قرار و ناراحت ایران حتی نسبت بیکدیگر هم سوء ظن دارند .

اعضای مجلس مرکبند از ملاکان و درباریان که بحمايت از خویشان و حواشی و در  
راه استفاده های نامشروع بر یکدیگر سبقت میجویند . برای ارضای شهوات آنان در  
تحصیل شغل دولتی ، ایران گرفتار دو بیست و پنجاه هزار کارمند است که دوسوم آن زائداست .  
مجلسیان از مردم میترسند که خود دست باصلاح امور بزنند و بحکومت هم چون اعتماد  
ندارند اختیار نمی دهند . مجلس حتی اعتبار (بودجه) يك ساله را هم یکجا تصویب نمیکند  
بلکه هر ماه اجازه خرج يك دوازدهم میدهد . لاقبل با اعضای قابل و کار آمد هم میدان  
نمیدهند که نقشه ای برای کار خویش طرح کنند و آنرا اجرا نمایند . اخیراً هیئتی رسمی  
گزارشی تهیه کرد و کارمندان را سه بند تقسیم نمود : بدالف : کارمندان کافی راست کار .  
بند دو : کارمندان راست کار اما زائد بنده سه : کارمندان فاسد یا نالایق .

ادارات مملو است از کارمندان رشوه گیر حرامخوار . علت ، عدم اطمینان باوضاع است .  
یکی از دیپلماتهایی که ایرانیان را خوب میشناسد چنین گفت «اوضاع سیاسی چنان  
ناپایدار و متغیر احوال است که کارمندان ناچارند محکم کاری کنند مبادا چیزی از دست بدهند .  
زندگی چه در اداره و چه در خارج اداره متزلزل است ! فقط جمع پول جمعیت خاطر میآورد  
این است که رشوه خواری قوت دارد . وقتی بیچ چیز و بیچکس نتوان اطمینان داشت  
بازار اسباب چینی و حقه بازی رواج مییابد و وجود حکومت منظم محال میگردد» .

### خلنواده سلطنت :

خانواده شاهی بر رأس این گروه فاسد سلطنت میکند . درین خانواده هر فردی  
باین حقیقت المناک خوب واقف است که این سلسله ۲۵ سال پیش روی کار آمد . دهقانان  
ایران بمقام سلطنت دلبستگی دارند اما همه میدانند که رضاشاه پهلوی آن مرد مقتدر در سپاه  
ایران درجه گروهبانی داشته و پس از جنگ عالمگیر اول بمدد انگلیس صاحب قدرت شده  
و در جنگ جهانی دوم بمیل آنان منکوب و از وطن مطرود گشته است .

شاه فعلی ، فرزنداو ، هوشیار و شیفته خیر و سعادت کشور خویش است . سراسر آنرا



باطیاره چهارم و توره خود طی میکنند .  
درین هفته چنین اعلام داشت که اراضی  
خاص را که بهزار پارچه آبادی تخمین  
میزند و جمعیت آنرا بیست و پنجم زار  
میشمارند ، قطعات کوچک تقسیم میکنند  
و بشکاورزانی که در همان آبادیها  
بکار زراعتند میفروشد . اما شاهنشاه  
هم چون سایر افراد کشور آشفته  
خاطر و نسا مضمئن است . در سال  
۱۹۴۶ قوام السلطنه بهترین سیاستمدار  
پیر کشور یعنی همان شخصی که در  
برابر تهدیدات روسیه مقاومت بخارج  
داد و آذربایجان را نجات بخشید  
بیشتهیبان داشت اما شهرت و اعتبار  
اجتماعی روز افزونش را نتوانست  
تحمل کند و ناچار مهزولش کرد و  
امروز این پیر مرد هفتاد و پنج ساله  
در عمارت زیبای خود بکار اسباب چینی  
بضد سرور خویش مشغول است .

پس از قوام ، شاه چند دولت ضعیف پول دوست که بسیاری از اعضای آن بنفوذ  
شاهدخت اشرف خواهر زیبای شاه انتخاب شده بود بر سر کار آمد . شاهدخت میل دارد  
که بعنوان پادشاه بدوستان و حواشی خویش خصوصا در وزارت دارائی شغل محول کند .  
عشق او را بیول مانعی نیست اما اخیرا که شاه از شاهدخت شمس خواهر دیگر خویش  
خواست همسری برایش انتخاب کند در راه نفوذ و قدرت اشرف مانعی پیش آمد . شاهدخت  
شمس ملیح و برخلاف شاهدخت اشرف گوشه گیر است . از اینکه شمس ، ثریا اسفندیاری  
دختر یکی از رؤسای ایل نیرومند بختیاری را بهمسری شاه برگزیده خشمگین است .  
( شاه ، فوزیه خواهر فاروق پادشاه نازیبای مصر را که فرزند ذکور نیاورده بود و این  
یکی از علل است ، طلاق گفت ) . عروسی میبایست در بیست و هفتم دسامبر گذشته صورت  
گرفته باشد اما عروس بمرض حصیه مبتلا شد و عروسی بدوازدهم فوریه موکول گشت .  
شاهپور عبدالرضا تحصیلات خود را در سال ۱۹۴۷ در دانشگاه هاروارد پایان  
رسانده است . این شاهزاده در انجام وظائف خویش بجد است و در شاه نفوذ خوش دارد .  
چند سال قبل جدالی در میان آمد و رفع شد . شاهدخت اشرف از اینکه شاه و شاهپور با  
هم ناهاری خوردند و بیلاردی بازی کردند باز بهم برآمد . در تهران در باره دو برادر

دیگر شاه خوش سخن نیرانند .

تاج الملوك بهلوی همسر آن مرد مقتدر که چشمانی سرد و بیروح دارد مادر این فرزند ان است و کارش این است که فرزند گو شزد کند که قدرت بدورا ندارد و بدین طریق قوت نفس شاه را ضعیف کند و او را بر آن دارد که بیش از آنچه قانون اساسی مقرر داشته در امور سیاسی مداخله کند .

### شغلی که خوب انجام داده شد :

بعضی ازین مداخلات نتیجه خوش دارد . سال گذشته شاه رفیق نزدیک خود علی رزم آرا را که کارش در زمان تصدی ریاست ارکان حرب سزاوار تحسین است بنخست وزیرى برگزید مجلس چنانکه از هر دولت کاری و مقتدر بیزار است از رزم آرا هم



بیزار است . روزی رزم آرا گفت « هفتاد و پنج درصد اوقاتم صرف مبارزه با اسباب چینی است » . با همه مخالفت های شاهدخت اشرف و مجلس باز رزم آرا کارهایی انجام داد . پس از اندک مدت شهرت روز افزون رزم آرا هم شاه را بد گمان ساخت و سر بمخالفت آورد . مثلا دو تن بمضویت دولت باو تحویل شد . شاه لشکر اول را ضمیمه گارد مخصوص کرد و بسیاری از دوستان نظامی نخست وزیر را که در مقامات عالی بودند جابجا کرد . رزم آرا بین مجلس ناراضی و شاه بد گمان دست و پا میزند اما هنوز بمخدمت کشور مشغول است ( شاهدخت اشرف میخواهد سهیلی یکی از دوستان



قدیمش را که فعلا سفیر لندن است بجای او منصوب کند .

در موقع ریاست از کان حزب رزم آرا با هیئت نظامی امریکائی نیک همکاری میکرد . ایران امروز بیست هزار ژاندارم و صد وسی هزار تن نظامی دارد که برای حفظ امنیت در سراسر کشور برسا کننده اند . لباس افراد چهارشانه پرتاقت پیاده نظام بشکل لباس نظامیان امریکا یا لباس جنگ نظامیان انگلیس است و تفنگشان همان تفنگهای قدیمی گلنگدن دار امریکائی است . دولت مازاد وسایل جنگی امریکائیان را که عبارت از تانکهای متوسط و توپهای سبک و اتومبیلهای بارکش است به بیست و شش میلیون دلار خرید . هواپیماهای دولت از نوع «اورد کس» و «هاریکن» انگلیسی و چند هواپیمای امریکائی است . نیروی کوچک دریائی هم در بحر خزر و خلیج فارس بگشت است . کومکهای نظامی که امریکا بشرکیه کرده با کومکهایی که بایران رسیده قابل قیاس نیست . بفرض اینکه ایرانیان سابقه و خوی جنگی ترکان نداشته باشند آخر کم از اینکه سپاه مجهز ، هجوم را بر روسیان گران تمام میکند .

یکی از نظامیان توانای امریکائی مقیم تهران چنین محاسبه کرده که سرزمین کوهستانی ایران چنان مشکلاتی در راه وسایل نقلیه و مراد و تهیه لوازم جنگ ایجاد میکند که اگر روسیه هوای حمله کند محتاج بصد تا دویست هزار سرباز خواهد بود تا خود را بمعدن نفت برساند . هر قدر سپاه ایران قویتر باشد بهمان اندازه روسیه محتاج است افراد بیشتر از سایر نقاط باین محل نقل دهد و بار خود را سنگین تر سازد . اصلاح وضع نظام ایران که قسمت اساسی آن پیاده نظام است محتاج بکومک مالی نسبتاً مختصر است . قماری کلاتر در کومک نظامی بایران بجا و بموقع است .

### بی طرف متردد :

قمار نظامی بجاست بشرط اینکه با کومکهای اقتصادی و اصلاحات سیاسی دول غربی توأم باشد . عدم توافق بین سیاست انگلیس و امریکا اقتضای بمراتب بدتر از آنچه ایرانیان خود بآن گرفتارند بهار آورده است . نیت امریکائیان این است که ایران در رفاه و آسایش و صاحب دولت مرکزی مقتدر باشد . انگلیسها قلباً با این نیت مخالفند . سالها انگلیسها و روسها ایران را بین خود تقسیم کرده بودند . درین سنوات اخیر علاقه انگلیس بمعدن وسیع نفت و تصفیه خانه آبادان است . انگلیسها که درین ایام بر سر موضوع سهمیه نفت با دولت ایران سخت شاخ بشاخ شده اند بحسب عادت دیرین معتقدند که هر اندازه ایران فقیرتر و حکومتش ضعیف تر باشد معامله با آن سهلتر صورت پذیر است . امریکا نتوانسته است که زمینه توافقی بین این دو فراهم سازد .

امتناع انگلیس از پرداخت وجه و بی کفایتی حکومت نقشه هفت ساله عمران و آبادی را که میبایست بکومک بازده تن از مهندسان و مدیران درجه اول شرکتهای امریکائی صورت بگیرد نقش بر آب کرد . بین دولت امریکا و کارهای امریکائیان در ایران هم آرائی موجود نیست ، حتی بین عمال دولت امریکا در تهران رقابت و عدم اعتماد برقرار است .

وزارت خارجه آمریکا از گریزی سفیر کبیر آمریکا در ایران یا هیچ پشتیبانی نمیکنند یا کم میکنند. ایرانیان سخت در انتظار حواله صد میلیون دلار بانک صادرات و واردات بودند. سال گذشته فقط پرداخت بیست و پنج میلیون تصویب شد و آنهم هنوز در پیچ و خم اداری درواشنگتن گیر است.



ایران دیگر حرف آمریکا را باور ندارد. اقداماتی که در هفته های اخیر شده همه دلیل برین نکته است. قرارداد معامله ای بمبلغ بیست میلیون دلار با روس منعقد و در سوم نوامبر امضا شد. دستگاه تبلیغات تهران صدای آمریکا را خفه کرد. خبرگزاری رسمی ایران اخباری را که از خبرگزاری تاس بدست میآورد نشر میکند. بده تن از سران حزب توده فرصت فرار از حبس داده شد. حزب توده اگرچه وجودش غیر قانونی است رو بترقی دارد. وقتی از رزم آرا که خود را دوست آمریکا وانمود میکنند پرسیدم که ایران بی طرف میماند یا نه جواب داد «ما نه میتوانیم باین سمت مایل شویم نه بآن سمت». هفته گذشته

مردم و دولتیان ورود کشتی حامل ۱۵ تانک شرمان و ۱۸ توپ سبک از محل ده میلیون دلار کومک نظامی آمریکا با ایران بسر دی پذیرفتند چه همه معتقدند که این اعمال روسها را بهم برمیآورد و بخشم میراند.

### اعراض :

بجهاتی که پیش ذکر آن رفت ایران آهسته آهسته و بی جهت از دست ما میرود. کومک نقدی اندک در برابر آنچه آمریکا در سایر نقاط خرج میکند و راهنمایی فراوان ممکن است نگذارد ایران و بدنبال آن خاورمیانه از دست برود. ایران هزاران نفر تحصیل کرده و وطن دوست که شاه و رزم آرا از آن جمله اند دارد. همه مشتاق ترقی و استقلال کشور خویشند اما کاری از ایشان تنها ساخته نیست. محتاج بمساعدت آمریکا هستند و آمریکا هم فقط وعده میدهد، دلدل میکند و متناقض حرف میزند. آمریکا هم بایران محتاج است اما وزارت خارجه بسا شکست اسفناک خویش در سیاست خارجی از ایران اعراض کرده است.